بسم الله الرحمن الرحیم

صفحه ی 20 از کتاب آداب المتعلمین

معتدل به برابر مقدار چنان بود که اگر کسی

چون زعفران و ...

و سفید بدل سردی

و زرد بدل خشکی

و سرخ بدل تری

البته همه جا قانون رنگ ها صادق نیست

در بعضی از جاها صادق است

سیاهدانه سیاه است و گرم ولی خرفه سرد است

فلفل قرمز ، قرمز و گرم است و گوجه قرمز ولی سرد است

سفیدی رنگ همیشه سردی نیست . نمک سفید است ولی گرم است

لذا قوانین رنگ ها در طب سنتی ، قاطع نیست

قوانین قاطع برای مزه ها هست و فقط یک اشکال به آن می شود و آن کافور است که تلخ است ولی سرد است و بقیه ی تلخ ها گرم هستنند .

ادامه ی کتاب : اما صفراء به گونه ی زردی بود که به سیاهی زند و خون.... و این از قبل احتراق بود و...

و هر گاه از این چهار رنگ یکی را به مقدار بکاهی ...

پس اینکه گفته می شود صفراء زرد است و ... یک اسم رنگ قرار دادی است و به واقع اینطور نیست .

شما در خون حجامت اینطور نیست که صفراء را کاملا زرد ببینید . بلکه یک خون کم رنگ را بلغم می گوییم و کف را صفراء می گوییم و رگه های تیره تر را سوداء و خون قرمز قرمز را دم می گوییم .

عین همین مفهوم قرار دادی در خشکی و تری هم هست . بعضی ها بحث می کنند که چرا می گویی صفراء و بلغمی است . چگونه گرم و خشک با سرد و تر قاطی می شود . تعبیری که از صفراء در ذهنشان شده یک چوب خشک است و باید این ذهنیت عوض شود . استنباط مفهوم به مصداق هست .

یکی را به مقدار بکاهی یا بفزایی رنگ نیز ...

واقعا وقتی خون سودایی شود ، خون تیره ای را می بینیم ، تیره ای شبه سیاه نه سیاه کامل .

هیچ پزشکی قبول نمی کند که خون ، بوی تعفن داشته باشد ولی من دیده ام خون شخص سرطانی که اینچنین بود و بوی تعفّن داشت . یک حجامت وقتی انجام شد کل فضای 50 متر متعفن شد . و مدتی بیش از یکساعت پنجره را باز گذاشتیم تا بویش برود .

یک مورد در حجامت سر که سرطان خون داشت .

یک مورد دیگر در حجامت ساکرال بود که زالو انداخته بودیم و در آنجا نیز خون متعفن سیاه بود .

غیر از این دو مورد دیگر خون سیاه ندیدم . در بقیه ی افراد رگه های سیاه رنگ همان خون سوداء است .

بلغم یک خون کم رنگ است که اسمش را سفیدی می گذاریم ولی هیچ وقت سفید نیست .

البته گاهی سفیدی در خون می بینیم که واقعا سفید است و البته دو الی سه مورد بیشتر ندیدم و من شخصی هستم که با دست خودم شاید صدها هزار مورد حجامت کرده ام و از این مقدار جامعه ی آماری می گویم .

در حال حاضر فصد زیر زبان و حجامت صورت که می خواهم جایش نماند را فقط انجام می دهم .

در رنگ ها این دو الی سه مورد استثناء هستند نه موارد عام .

ادامه ی کتاب : هیچ اندام نیست معتدل به این ....

معتدل به مقدار فقط یک اندام داریم و آن پوست بیرونی است .

معتدل ترین عضو ، پوست هست و بعد پوست بیرونی و بعد پوست کف دست و بعد انگشت سبابه و بعد بند آخر انگشت سبابه . لذا انگشت شهادت هم می گویند .

گرمی ، سردی و تری و خشکی اش به نسبتی با هم نزدیک است و این را می شود با حسّ درک کرد . ( میزان رطوبت و خشکی و حرارتش را )

ادامه ی کتاب : و باز آن معتدل که برابر قوت بوَد ....

و آب خربزه هندی بیشتر به اضعاف

( آب خربزه را باید بیشتر بگیرد و سرکه را کمتر بگیرد . اگر می خواهیم ترش و شیرین شود باید بیشترین مقدار را از خربزه و کمترین مقدار را از سرکه بگیرد . چون ترش و شیرین به این معنا نیست که نصف از آن و نصف از دیگری

ادامه ی کتاب : و تن آدمی به اخلاط به همین قیاس معتدل بود و هر چند صفراء اندک بود با بسیار بلغم برابری کند ...

همچنانکه مقدار کمی سرکه با مقدار زیادی شیرین با هم به تعادل رسید در اینجا برعکس ، مقدار کمی از صفراء مقدار زیادی از بلغم را بهم می زند . می گوییم دو لیوان آب بخور و نیم نخود حنظل ، این آب ها را می خوریم ولی باز هم تندی وجود دارد . کندر یک مقدار کمتر . وقتی شوری می خوریم هم باید کلی آب بخوریم تا یک مقدار صفرائی که نمک پدید آورده را از بین ببریم .

در سوداء زا نیز مقدار کمش کارایی های زیادی در مقابله ی با دم دارد . در آنجا مقابله ی صفراء با بلغم بود و اینجا سوداء با دم است . اگر اینها را ندانیم در داروسازی و تجویز دارو دچار مشکل می شویم .

گاهی اگر این موارد لحاظ نشود ، بیمار از پا در می آید.

در یک مورد دیدم که یک بیمار آتش گرفته بود چون داروساز فقط نسخه را خوانده و مزاج را نمی فهمد .

آقای ناظم در کتاب داروسازی اش یک اندازه گفته که باید مقداری که می بینیم را به یک بیستم کاهش دهیم . من حتی می گویم به این مقدار هم زیاد است و باید بیشتر کم شود . من خودم مفرد کار هستم و با مفردات درمان می کنم . با یک اسفند شخص را در مرز مردن هم پیش بردم . یک بلغم شدیدی در خواهرم سراغ داشتم و گفتم یک داروی قوی دهم تا خوب شود . فولدوز دادم که معمولا دو وعده می دهم . و نادر تا سه وعده می دهم . و ایشان خورده بود تا مرز کما رفته بود . این نسخه بوده که بوعلی سینا گفته بود اسفند و عسل و ... بهترین دارو هست ...

در آن زمان طبع مردم گرم بوده است و برای آن ها این زیاد بوده

نسبت ها را خیلی توجه کنید . خود رازی در کتاب درمانش می گوید ، اگر طبیبی قبل از غذا به دارو دست بیازد کمر به قتل بیمار بسته است . در آن زمان هم دارو درمانی این عوارض را داشته است با اینکه گیاهی بوده .

در اینجا نیز میزان کم سردی برابری می کند با میزان زیاد دم .

یک داروی سودایی که می تواند اثرات دم را از بین ببرد :

من طبعم و مزاج معده ام گرم است ولی وقتی کباب با گوشت گاو گوساله می خورم تا چند ساعت بهم ریخته هستم و اثرات منفی اش در مغزم هست . گوشت گاو برای من کاملا ملموس هست .

عدس هم مثل گوشت گاو و گوساله هست که سرد است .

یا ماهی بویژه در شب .

ادامه ی کتاب : هر چند مزاج دل گرم است و خشک ولی دماغ با آن برابری کند ....

و هر چند مزاج سپر...

در اینجا مزاج اندام ها را می گوید . وقتی می خواهد به تعادل برساند ، مزاج مغز و کبد و ... را می خواهد به تعادل برساند .

از برایند این سه اندام که مزاج های مختلفی دارند : مغز ( سرد و تر ) ، قلب ( گرم و خشک ) ، طحال ( سرد و خشک ) است .

از برایند اینها یک تعادل نسبی بوجود می آید و تن را پوشش می دهد .

ادامه ی کتاب : هر چند مزاج استخوان سرد است و خشک ، مزاج گوشت با وی برابر کند با گرمی و ...

این برابری به مقدار قوت گویم نه کثرت و...

استخوان سرد و خشک است ولی گوشت گرم و تر است که روی استخوان چسبیده است . از مجموع این ها یک اعتدال نسبی در کل تن پدید می آید .

قلب به اندازه ی مشت هر کس ولی گرمی اش به گونه ای هست که می تواند گرمی به کل تن بدهد .

بحث فیزیک تن هست . همانطور که روی جسم نقش اساسی در اعتدال دارد ...

نقش غذاهای روانی است . همانطور که گرمی و سردی غذا می تواند تن را به اعتدال برساند یا خارج کند ، غذای روحی نیز اینچنین است . این بحث را طب سنتی به آن بی توجه است ولی طب اسلامی به آن توجه دارد .

روح یک لباسی است بر کل تن که برای کل بلغم و صفراء و سودا و دم یک لباسی درست می کنند که سردی و گرمی را می توانند به اعضاء بدهند . مثل پوشیدن لباس ابریشمی یا پشمی در زیر لباس ها

من معتقد به روح غذا هستم یعنی یک غذای سرد با روح گرم می تواند اثر گرمی بدهد و یک غذای گرم با روح سرد می تواند تأثیر سردی بدهد .

حرمت و حلیت نیز این تأثیر را می تواند بگذارد .

تکرار خوردن غذای حرام ، بلوغ سودایی می کند که می شود سرطان و با هیچ چیز گرمی درمان نمی شود .

این کاری که دکتر ژاپنی ایموتو شروع کرده ، ادامه دار است . روی هر چیزی قابل اجرا است . ایشان آزمایشاتش روی آب و برف و یخ بوده ولی به این معنا نیست که روی بقیه ی مخلوقات و موجوات قابل پیاده نیست مثلا هندوانه ای که با بسم الله کاشته شده با غیر آن فرق می کند .

خانمی هست که این تحقیقات را روی جامدات انجام داده . یک طلایی در طلافروشی هست و یک طلایی در حرم ائمه ی اطهار هست و ایندو فرق می کنند ، یکی شفا می دهد و دیگری نه .

دیدار با علماء و بزرگان و انسان های معنوی از این جهت تأثیرگذار است . آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند ، آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند . این نگاه ، همان تأثیر و تشعشعات روح آن شخص است .

امام خمینی وقتی قم و فیضیه و ملاقات عمومی آمده بودند ، من هم رفته بودم . وقتی امام خمینی دستش را بلند می کرد و دور می داد ، وقتی به من رسید ، تنم لرزید . بعدها شنیدم که ایشان نیت بیعت می کرده است . یکی از خانم های محل ما از این کار امام بدش می آمد و ایراد گرفته بود ، شنیدم که وقتی بچه اش بدنیا آمد ، بی دست بود .

شهید بهشتی می فرمود که پدرم در ماههای تبلیغ به یک روستا می رفت ؛ گفتم شما در اصفهان طرفداران زیادی داری ، ایشان گفت: آنجا برای ما بهتر است

بعدها فهمیدیم که یک پینه دوزی بود که ایشان بخاطر ایشان می رفت و این شخص ، مرجع عرفانی و معنوی ایشان بود که از او بهره می برد .

پس می توان ایجاد سردی و گرمی کرد نه از طریق غذا بلکه از طریق نور عرفانی و معنوی که اسم علمی اش انرژی است .

برعکسش هم هست .

پس انرژی منفی هم اینطور است که گاهی در مقابل رشدها سدّ ایجاد می کند . گاهی یک نظر منفی و پلید نیز اینچنین هست که باید مراقب بود .

حتی پلیدی ها از طریق تصویر هم منتقل می شوند لذا عرفای بزرگ خیلی مراقب چشمشان بودند . چشم را از دهان هم مهمتر می دانستند چون غذا از طریق دهان جذب و بعد دفع می شود یا با روزه از بین می رود . ولی اثرات نگاه تا سال های سال باقی می ماند . لذا خیلی مراقب چشم هایشان بودند . الان که مناظر پلید به شکل های متنوع و زیاد وجود دارد ، پرتوهای آن نیز هست .

غذای دیداری هم را خیلی جدی بگیرید که خیلی پر اهمیت هست .

ادامه ی کتاب : و اما اعتدال نوعی را مثال چنان بود ...

شیر گرم است و خشک ( شیر وحشی مراد است نه شیر خوردنی )

اگر کسی از آدمیان ...

ماهی سرد و تر

گوسفند گرم و تر

سگ سرد و خشک

زنبور گرم و خشک

و مزاج آدمی را میان امزجه معتدل ...

حیوان را از پستانداران شروع کرد و از شیر شروع کرد ، سپس مزاج ماهی و بقیه را ذکر می کند .

انسان گل خلقت هست به لحاظ اعتدال مزاجش .

این بلحاظ نوع هست . یعنی نوع انسان یا نوع آن حیوانات در حالت سلامت اینگونه هستند .

ادامه : و اما همه ی حیوانات را ....

هر اندامی هم به حال خودش باید حال اعتدالی خودش را لحاظ کرد .

مزاج استخوان سرد و خشک است ولی سرد و خشک معتدل و نا معتدل داریم .

ما به طور کلی می گوییم گوشت گرم تر است و استخوان سرد و خشک است و... ولی هر هر گوشتی این گرم و تری و هر استخوانی این سرد و خشکی را ندارد . اگر کنار هم افراد را بگذاریم گاهی این گرمی به سردی و برعکس می شود . الان از یک سودایی تا سودایی دیگر ده درجه اختلاف است همچنین صفرائی و دموی

لذا این بحث ها بعد از اینست که یک شخص معتدلی را معیار قرار دهید و با توجه به آن اعتدال در مورد بقیه بگوییم

اعتدال یعنی تنی که در طول عمر اینگونه است . مثلا خواب معتدل انسان 60 ساله باید اخلاقش خشک باشد ، صبرش باید به اندازه باشد ، تمایلش به آب باید به اندازه باشد ، خوابش به اندازه باشد بین 6 تا 8 ، کارایی مغزی ، تراوش مغزی ، تجزیه و تحلیل و... باید به اندازه باشد .

حالا این اعتدال را یک نفر 60 ساله دارد یا 90 ساله دارد . در هر صورت معتدل است . ممکن است 40 ساله باشد و ویژگی اعتدالی را ندارد . الان 15 ساله ویژگی اعتدال را ندارد .

چون بحث اخلاط را قبلا گفته ایم ، احتمال اینکه به سرعت وارد بحث آناتومی شویم زیاد است .

در بحث مزاج شناسی همه ی بحث اخلاط را کرده ایم

سپس بحث ذکرالاعضاء و شرحها می باشد .

در جمع ما کلاسی هست که مرکب از انسانهایی که خط غالبشان شیعه هست و معتقد هستند . همه نظام اسلامی را قبول دارند . همه مقلد هستند . تا اینجا یک همراهی فکری و اعتقادی داریم منتها کلاس در جا و جایگاه اقلیمی و فکری ای برگزار می شود که موقعیت تولید فکر و اندیشه است . حال و هوای حوزه های فکری و اندیشه اینگونه است . حوزه و دانشگاه اینچنین هستند .

هر چقدر سطح سنی و منش شخصیتی و ظرفیت علم حوزه کمتر باشد ، اثر پذیری اش بیشتر است . شهید بهشتی می گفت که شما دانشجویان دارای شور انقلابی هستید نه شعور

کم وزنی موجب اثر پذیری سریع می شود . کم وزنی علمی ، شخصیتی ، اطلاعاتی و...

در عصر کنونی

اینکه ما یک تفکری را طرفدارش نیستیم به این معنا نیست که آماده ی ظهور نیستیم یا توجه به حضرت نداریم . من اگر در دعای فرج که بعد از نماز دوم می خوانند اگر نباشم و شرکت نکنم ، استغفار می کنم . باور و اندیشه ی ما این است .